

دروغ های بزرگ، حقوق بشر و مسئله سلمان رشدی

عملکرد ضد بشری محکوم کرده اند. سومین گزارش نماینده ویژه سازمان ملل و گزارشات مکرر سازمان عفو بین الملل، در کنار نیروهای ایزدگسای و هزاران تن از خانواده های زندانیان سیاسی و اعدام شدگان در جمهوری اسلامی، آنقدر شواهد، مدارک و اسناد علیه رژیم جمهوری اسلامی و سران جنایتکار آن منتشر کرده اند، که دیگر کمتر کسی است در جهان که از عمق و گستردگی این جنایات بی اطلاع باشد. تنها کافی است اشاره کنیم که رژیم جمهوری اسلامی علی رغم، ادامه در ص ۲

محمد یزدی، رئیس قوه قضائیه، در سخنانی که در نماز جمعه ۲۳ بهمن ماه ایراد کرد، در پاسخ به اعتراض مجامع بین المللی منکر وجود اعدام های سیاسی در ایران شد و اعلام کرد که جمهوری اسلامی به صرف اعتقاد شخصی با کسی برخورد نمی کند. چنین دروغ های سخفانه ای نخستین بار نیست که از جانب سران رژیم مطرح می گردد و نخستین بار هم نیست که جامعه بین المللی، سازمان های حقوق بشر، و دیگر مجامع صلاحیتدار، از جمله سازمان ملل متحد، رژیم جمهوری اسلامی و خصوصاً قوه قضائیه آن را به دلیل بی قانونی و

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۹۶، دوره هشتم
سال هشتم، ۱۱ اسفند ۱۳۷۱

سخننوی پیرامون شعار محوری

"زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی،
طرد باد رژیم" ولایت فقیه" و
مسئله ائتلاف نیروها و مشکلات کنونی

برگزاری کنفرانس حزب کمونیست روسیه

حزب کمونیست روسیه با برگزاری کنفرانس و تجدید فعالیت خود پیش کوی می های عجلانه متخصصان و صاحب نظران بورژوازی در باره مرگ کمونیسم در روسیه را نقش بر آب نمود. کنفرانس حزب کمونیست روسیه نزدیک به یک قرن پس از تاسیس حزب توسط ولادیمیر ایلیچ لنین عملاً تاسیس مجدد و آغاز فعالیت رسمی حزب را اعلام کرد. در حال حاضر حزب کمونیست روسیه که یک سال و نیم با فرمان خود سرانه و غیر قانونی یلتسین ممنوع و عضو می باشد و در مقایسه با همه سازمانهای سیاسی دیگر روسیه مقام برتری را احراز می کند. نزدیک ترین رقیب آن، حزب روسیه آزاد به رهبری الکساندر روتسکوی، معاون رئیس جمهور، می باشد که فقط ۱۰۰،۰۰۰ عضو دارد.

ادامه در ص ۸

در دیگر صفحات:

"سفیر بدبختی"

به رئیس جمهور روسیه
فدراتیو، ب. ن. یلتسین
آیا آ. ن. یاکوفل جاسوس
است یا نه؟
ص ۸

هدف از طرح شعارهای تاکتیکی، عقب راندن دشمن و پیشروی در راستای رسیدن به خواست های استراتژیک مبارزه است. از این رو انتخاب تاکتیک صحیح در شرایط مشخص جامعه برای یک حزب و یا سازمان رزمنده از اولویت حساسی برخوردار است. شعارهای تاکتیکی می بایستی خصلت وسیع بسیج گرانه داشته و دربرگیرنده مهم ترین موضوعات و مضامین جامعه در شرایط مشخص باشند. حزب توده ایران همواره بر این اعتقاد بوده است و تجربه بارها درستی چنین روش برخوردی را به اثبات رسانده است که شعارهای تاکتیکی مبارزه می بایستی متکی بر شرایط عینی و ذهنی و توازن نیروها در جامعه باشد. بر اساس چنین درکی، شعار "زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم" ولایت فقیه" از جانب ما به مثابه یک شعار تاکتیکی در راه دستیابی به دموکراسی و یک حکومت ائتلافی - ملی و دموکراتیک است.

حال ببینیم بر اساس کدام ارزیابی از شرایط جامعه و حاکمیت کنونی است که حزب ما به چنین تاکتیک مبارزاتی روی آورده است. بر کسی پوشیده نیست که در دوران حکومت رژیم جمهوری اسلامی، آزادی در وسیع ترین شکل آن، از آزادی های فردی گرفته تا آزادی بیان، آزادی اندیشه و آزادی اجتماعات و تحزب، به خشن ترین و خونین ترین شکل ممکن سرکوب شده است و هزاران انسان بیگناه تنها به جرم دگراندیشی، و آزادپوختی به زندان، شکنجه و اعدام محکوم شده اند. در این

ادامه در ص ۲

بحث پیرامون ویژگی های کنونی جامعه، نیروهای حاکمیت و طیف های مختلف آن، و نقش و توان نیروهای مخالف رژیم و چگونگی انتخاب شعارهای محوری و تاکتیک مبارزه در شرایط کنونی، مدتهاست که بین نیروهای مختلف ایزدگسای ادامه داشته و نظرات گوناگون و متفاوتی در این زمینه ارائه گردیده است.

بدیهی است که ارزیابی های مختلف از شرایط جامعه و ماهیت نیروها - چه حاکم - و چه در ایزدگسای، به نتیجه گیری های متفاوتی می انجامد و از این رو تا زمانی که ما نتوانیم پیرامون این ارزیابی ها به نتایج مشترکی دست یابیم، رسیدن به ائتلاف وسیع و اتحاد عمل بسیار دشوار خواهد بود.

دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران، به ارزیابی شرایط کنونی کشور، آرایش طبقاتی جامعه و نظرات متفاوتی که از جانب نیروهای مختلف ارائه شده است، پرداخت و به نتایج مشخص و مهمی در این زمینه رسید.

پلنوم از میان طیف مختلف نظرات ارائه شده بدرستی سه نظر و ارزیابی گوناگون را برجسته کرده و به اظهار نظر پیرامون آنها پرداخت.

حزب ما شعارهای تاکتیکی و اصولاً تاکتیک را همواره بخشی از استراتژی و کاملاً تابع آن می دانسته و اکنون نیز می داند. ما معتقدیم که تاکتیک دوران کوتاهی در درون یک مرحله استراتژیک را در بر می گیرد و هدف های مشخص، نزدیک تر و محدود تر را در نظر دارد و از این رو به اشکال مشخص مبارزه در شرایط مشخص بستگی دارد.

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم" ولایت فقیه"!

سخنی پیرامون شعار ۰۰۰

زمینه آتقدر شواهد، مدارک و اسناد منتشر گردیده است، که حتی برخی از سردمداران رژیم نیز بدان اعتراف دارند و از این رو نیازی به تکرار آنها نیست. واقعیت آنست که اکثریت مردم کشور ما از استبداد و عدم وجود آزادی‌ها به شدت رنج می‌برند و این آرزوی دیرینه آنان، که یکی از محرکه‌های اصلی انقلاب بهمن ۵۷ نیز بود، نه تنها تحقق نیافته است، بلکه در بسیاری از عرصه‌ها، از جمله حقوق زنان و اقلیت‌های مذهبی و ملی کشور حتی به مراتب بدتر از دوران حکومت استبدادی گذشته نیز شده است.

قول‌ها و عوام‌فروبی‌های برخی از سردمداران حکومت از جمله شخص رئیس‌جمهور، در زمینه دادن برخی آزادی‌ها و "دوری از تندروی‌های گذشته" نیز پس از دوران کوتاهی که توانست مددودی از نیروهای اپوزیسیون و برخی اقشار روشنفکر جامعه را

فریب دهد
برگزاری "انتخابات"

سرهمبندی شده مجلس، که حتی مخالفان مذهبی و یاران نزدیک امام نیز نتوانستند در آن آزادانه شرکت کنند و سپس سرکوب خشن و خونین قیام‌های مردمی در تابستان سال گذشته، رنگ باخته و ماهیت و هدف چنین مانورهایی از جانب برخی از سردمداران "پراگماتیک" رژیم، که تنها هدفشان ادامه حکومت استبداد به هر قیمتی است، آشکار شد. بر این اساس، مبارزه در راه دست‌یابی به آزادی و وادار ساختن رژیم به عقب‌نشینی در این عرصه، با اتکا به توده‌های به جان آمده، یکی از عرصه‌های مهم مبارزه علیه استبداد و ارتجاع در کشور ما است.

یکی دیگر از معضلات و عرصه‌های مهم مبارزه در سال‌های گذشته مبارزه علیه ادامه جنگ ایران و عراق و سیاست ایران بریاد ده‌جنگ جنگ تا پیروزی بود. این سیاست جنایتکارانه رژیم

فجایع بسیاری برای کشور ما و عراق به وجود آورد و به قیمت جان‌سدها هزار انسان تمام شد. خصلت ماجراجویانه و جنگ‌طلبانه یکی از ویژگی‌های بارز رژیم جمهوری اسلامی بوده و هست. علی‌رغم آنکه بدنیاال شکست‌های نظامی، جمهوری اسلامی سرانجام ناچار گردید "جام زهر صلح" را نوش جان کند، ولی این ماهیت رژیم همچنان به شکل بارز و بسیار نگران‌کننده‌ای نقش مهمی در تعیین سیاست‌های روزمره حاکمیت کنونی بازی می‌کند. برای نمونه تنها کافی است به سیاست‌های ماجراجویانه و مداخله‌جویانه رژیم در لبنان، فلسطین اشغالی، افغانستان، سودان، الجزایر، مصر، جمهوری‌های مسلمان نشین اتحاد شوروی سابق و ایجاد تشنج در منطقه خلیج فارس، که در ماه‌های اخیر به شکل خطرناکی تا حد برخورد نظامی نیز پیش رفت، اشاره کنیم. به گمان ما مسئله برقراری آرامش و صلح در منطقه خلیج

فارس، که کشور ما یکی از هسته‌های اساسی آن راتشکیل می‌دهد، با توجه به فجایعی که در سال‌های اخیر توسط ارتجاع و امپریالیسم در منطقه به وقوع پیوسته است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این زمینه نکته قابل‌ذکر دیگر هزینه کمر شکن خرید تسلیحاتی است که بر دوش خلق‌های منطقه قرار دارد و در صورت برقراری آرامش و صلح در منطقه میلیاردها دلاری که به جیب شرکت‌های فراملیتی صنایع نظامی آمریکا و اروپا سرازیر می‌شوند، می‌تواند در راه رفع عقب‌ماندگی و به نفع پیشرفت اقتصادی و اجتماعی این کشورها به کار گرفته شود.

یکی دیگر از اجزای شعار تاکتیکی حزب ما، مسئله عدالت اجتماعی است، که از مهمترین عرصه‌های مبارزه علیه رژیم کنونی را تشکیل می‌دهد. برقراری عدالت اجتماعی یکی از خواست‌های اساسی انقلاب بهمن بود و خمینی و یارانش بر اساس چنین درکی قول‌های فراوانی پیرامون تحقق این شعار به



مردم دادند. ولی واقعیت‌ها جامعه ما چهارده سال پس از انقلاب نشان می‌دهد که نه تنها بهبودی در این عرصه برای میلیون‌ها انسان محروم پدید نیامده است، بلکه تنها بخش‌های کوچکی از اقشار فوقانی جامعه، یعنی کلان‌سرمایه‌داران رژیم گذشته جای خود را به رهبران جمهوری اسلامی، تجار نزدیک به آنها، و بورژوازی بورکراتیک نوین ایجاد شده در دستگاه فاسد اداری جمهوری اسلامی داده‌اند. حتی بر اساس آمار رسمی جمهوری اسلامی، که توسط مرکز آمار ایران انتشار یافته است، بیش از ۲۲ میلیون نفر از شهروندان کشور ما با استانداردهای جمهوری اسلامی در فقر و محرومیت کامل زندگی کرده و تنها بخش کوچکی از جامعه یعنی تنها ۲٪، از زندگی نیمه‌مرفه و یا مرفه بهره‌مند هستند. عدم وجود امکانات درمانی و تحصیلی، مسکن، و عدم وجود یک سیستم فراگیر تامین اجتماعی با هدف کمک

به بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه، شرایط دردآور و فوق‌العاده دشواری را برای هموطنانمان به وجود آورده است. رشد جنبش‌های اعتراضی توده‌ها و گسترش برخوردها با نیروهای سرکوبگر تا حد قیام‌های مردمی که در شهرهای کشور بروز کرد، عمدتاً به تشدید فشار اقتصادی و اجتماعی بر توده‌های مردم ارتباط داشت و از این رو طرح چنین شعار تاکتیکی در شرایط کنونی از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است.

حزب ما در شرایط کنونی، حاکمیت مذهبی را که در شکل ساختاری "ولایت فقیه" بر سرنویشت کشور ما حاکم گردیده است را عمده‌ترین سد راه دستیابی به اهداف بالا، یعنی آزادی، صلح و عدالت اجتماعی می‌داند. چنین شکلی از حکومت، حتی به اعتراف رئیس‌جمهور رژیم با حاکمیت مردم در تضاد آشکار است و عقب‌مانده‌ترین شکل استبداد فردی است. به گمان ما حذف و یا "طرد ولایت فقیه" از ساختار حاکمیت کنونی، که مهمترین حلقه اتصال

اجزای رژیم می‌باشد، کلیدی‌ترین تاکتیک مبارزاتی در راه دستیابی به اهداف استراتژیک ما است. به گمان ما با از بین رفتن ساختار "ولایت فقیه"، رژیم جمهوری اسلامی نیز مشروعیت خود را در مجموع از دست می‌دهد و بنابراین "خطر استحاله" رژیم اپوزیسیون به آن اشاره می‌کنند، نمی‌تواند موضوعیتی داشته باشد. اصولاً "استحاله" رژیم که اساس و اصول آن یک ساختار قرون وسطایی "مذهبی" است به یک رژیم غیر مذهبی و "سکولار" حتی اگر ممکن و تحقق‌پذیر نیز باشد، خود گام مهمی در راه رسیدن به یک حکومت متکی بر اراده مردم است.

در شرایط کنونی طیف وسیعی از نظرات از سوی نیروهای سیاسی مختلف اپوزیسیون پیرامون ارزیابی شرایط و چگونگی به پیش بردن مبارزه مطرح می‌گردد، که بخش عمده‌ای از این نظرات کوچکترین

انطباقی با شرایط عینی و ذهنی جامعه ما ندارد. دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران در میان طیف‌های نظری موجود دو دسته از نظرات عمده را جدا کرده و پیرامون آنها اظهار نظر کرد. در میان این دو طیف نظری، نظریه نخست معتقد به تحول از درون و یا دقیق‌تر بگوئیم از بالا در جمهوری اسلامی است. این طیف نظری در واقع معتقد است که بخشی از حاکمیت به رهبری هاشمی رفسنجانی قادر است رفرم‌هایی به نفع آزادی و استقرار دموکراسی در کشور انجام دهد. این نظریه شعار "انتخابات آزاد" را به مثابه مکانیسمی برای دستیابی به آزادی مطرح می‌کند. چنین نظری قاعده‌تاً معتقد است که حاکمیت جمهوری اسلامی حاضر است اهم‌های حکومتی را به این نیروها که بخش عمده آنها در خارج از کشور بسر می‌برند و خطر فوری و جدی هم برای رژیم محسوب نمی‌شوند، تحویل دهد. به گمان ما این

دروغ های بزرگ، ...

خواست های مکرر سازمان ملل متحد، برخی دولت های جهان و سازمان عفو بین الملل تاکنون از اعلام نام هزاران زندانی سیاسی که در تابستان سال ۶۷، به دستور خمینی قتل عام شده اند، خودداری کرده است. یزدی ادعا می کند تنها کسانی که "جاسوس" و یا قاچاقچی مواد مخدر بوده اند، اعدام شده اند. ما از رئیس قوه قضائیه رژیم می پرسیم اگر چنین است چرا جمهوری اسلامی تاکنون از چگونگی محاکمه اعدام شدگان سال ۶۷، اتهامات آنان و جزئیات این محاکمات هیچگونه اطلاعی منتشر نکرده است. سؤال اینست که چگونه کسانی که قبلاً در همین "دادگاههای انقلاب" محاکمه و به زندان محکوم شده بودند، دوباره در يك "محاکمه" پنج دقیقه ای به اعدام محکوم شده اند.

اما نکته جالب دیگری که این بار در دوره تازه ادعاهای جمهوری اسلامی به چشم می خورد، این موضوع است؛ در حالیکه آقای یزدی در نماز جمعه این ادعاها را عنوان می کند، رهبر جمهوری اسلامی، سلمان رشدی، نویسنده انگلیسی را، به جرم نوشتن يك کتاب، و در واقع به جرم دگر اندیشی، در کشوری دیگر محکوم به مرگ می کند و از "مسلمانان جهان" می خواهد تا این حکم اعدام را بدون آنکه حتی دادگاهی برای محکوم بیچاره برگزار شده باشد و به او اجازه دفاع داده شده باشد، به اجرا در آورند.

چنین است نوع برخورد جمهوری اسلامی و سران آن با دگر اندیشی و نظرات مخالف چنین برخورد قرون وسطایی و ضد انسانی که دوران انگیزسیون کلیسا و سوزاندن انسان ها به خاطر عقایدشان را به یاد می آورد، حکایت از عقب ماندگی دهشتناک کسانی می کند، که بر مملکت ما حاکم اند و قرار است عدالت را در جامعه مستقر سازند.

سکوت در مقابل چنین برخوردی تنها به مفهوم تائید و همکاری با این رفتار ضد بشری است و از این رو بر همه کسانی که به انسانیت و حقوق انسان ها احترام می گذارند واجب است تا به شدت با آن به مقابله برخیزند و آن را محکوم کنند. این مخالفت کوچکترین ارتباطی به موافقت یا مخالفت ما با نظرات سلمان رشدی و یا هزاران نفری که تاکنون از دم تیغ جمهوری اسلامی گذشته اند، ندارد، و تنها نشانه احترام به آزادی اندیشه و بیان است.

سرنوشت حاکمان کنونی کشور ما با سرنوشت سایر جنایتکاران تاریخ یکسان خواهد بود، و از این رو دیر نیست آن روزی که رئیس قوه قضائیه کنونی در مقابل دادگاه خلق قرار بگیرد و پاسخگوی جنایاتی باشد که تاکنون مرتکب شده است.

در شرایط کنونی، به تنهایی قادر نیستند، جمهوری اسلامی را بدون اتکا به حمایت وسیع توده ها از صحنه خارج کنند. بی اعتنایی برخی از سازمان ها، و خصوصاً سازمان مجاهدین خلق ایران به این ارزیابی صحیح حزب ما، تاکنون به قیمت خون صدها تن از مبارزان این سازمان تمام شده است، بدون آنکه تأثیری جدی در تضعیف رژیم جمهوری اسلامی بر جای گذاشته باشد.

حزب ما از نظر اصولی با شعار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هیچگونه مخالفتی ندارد. ولی ما اعتقاد داریم که چنین شعار در شرایط کنونی و با توجه به سطح سازمان یا تکی جنبش اعتراضی توده های خلق، يك شعار غیر واقع بینانه است. تجربه طولانی مبارزه با حکومت استبدادی گذشته نیز نشان داد، که می بایستی دشمن را قدم به قدم وادار به عقب نشینی کرد. در شرایط کنونی امکان بسیج و سازماندهی مبارزه توده ها برای ایجاد تغییرات، برای حذف ساختار ولایت قبیله، که هم اکنون خواست بخش قابل توجهی از نیروهای مذهبی مخالف رژیم نیز می باشد، علیه بیعدالتی در جامعه، علیه فساد دستگاه اداری جمهوری اسلامی، علیه سرکوب حقوق کارگران، علیه گرانی و کمبود ها بسیار ممکن تر است و از این رو لازم است تا در بین شعار های تاکتیکی بسیج گرانه و شعار های استراتژیک تفاوت قایل شد.

به گمان ما مبارزه متحد و مشترک نیروهای سیاسی و مترقی کشور و سازماندهی توده های وسیع مردم که از شرایط حاضر بشدت ناراضی هستند، یکی از پیش شرط های اساسی موفقیت در این نبرد ناهرابر و دشوار با حکومت استبدادی کنونی است. هرگونه طفره رفتن از این واقعیت و پای فشردن بر قبول يك سری شرایط ذهنی از جانب این یا آن نیرو، پیش از ایجاد جبهه وسیع برای نبرد علیه رژیم در راه دستیابی به آزادی و عدالت اجتماعی، تنها به طولانی تر شدن حیات ارتجاع و تشدید مشکلات و دشواری ها می افزاید. هم اکنون بخش های زیادی از نیروهای پیرامون حاکمیت، نیروهای طرفداران نهضت آزادی، جنبش "مسلمانان مبارز"، برخی از طرفداران شریعتی، خواهان تحول بنیادی در جامعه و ملرد رژیم ولایت قبیله هستند. حتی رئیس جمهور رژیم هم خوب می داند که جمهوری اسلامی با ساختار پر تضاد کنونی نمی تواند راه درازی برود. مسئله اینست که در شرایط کنونی چه باید کرد؟ دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب ما با صراحت و جسارت کامل اعلام کرد، در صورتیکه شرایط کنونی و جو حاکم در میان نیروهای اپوزیسیون ادامه پیدا کند، نمی توان به این مجموعه، به مثابه يك آلترناتیو جدی در مقابل رژیم جمهوری اسلامی خوشبین بود. اگر این طیف وسیع از مخالفان رژیم نتوانند، حداقل پیرامون آزادی و حقوق بشر و مقابله با سرکوب آن توسط رژیم جمهوری اسلامی به توافق برسند، چگونه باید از توده های سازمان نیافته مردم انتظار داشت که به میدان مبارزه بیایند و با حکومت سرکوب و استبداد به مقابله برخیزند و آن را "سرنگون" کنند. حزب توده ایران معتقد است، که باید با جسارت و حفظ اصولیت به سمت ایجاد يك جبهه وسیع برای دستیابی به آزادی و دموکراسی، گام برداشت و مخالفت های پیش پا افتاده را کنار گذاشت. قبول تفاوت های نظری و احترام به اندیشه های مخالف نخستین گام اساسی در این راه است.

سعد نظری که بخش عمده نیروهای "چپ نوین" و بخش هایی از نیروهای ملی گرا، نهضت مقاومت ملی و جمهوری خواهان ملی را در بر می گیرد، دچار خوس باوری محض است و این نظریه با هیچیک از واقعیات جامعه ما، خصوصاً ماهیت و ترکیب حاکمیت کنونی، همخوانی ندارد. سرکوب خونین قیام های مردمی در تابستان سال جاری، یورش به روشنفکران کشور زیر لوای "مقابله با تهاجم فرهنگی"، مخالفت وزارت کشور با اجازه فعالیت نهضت آزادی و موضع گیری های اخیر رفسنجانی در تائید و همخوانی با "ولی قبیله" و مواضع نیروهای محافظه کار - ارتجاعی مذهبی، خام بودن چنین تصوراتی را بیش از پیش به نمایش گذاشت.

با "سیاست بازی" می توان کسانی را برای مدتی فریب داد ولی نمی توان واقعیات سخت و دردناک استبداد قرون وسطایی حاکم بر جامعه را تغییر داد. بخش "چپ" این طیف نظری که شامل گروه امیر خسروی، گروه کشتگر و بخشی از فدائیان اکثریت است قبل از هر چیز دچار بحران هویتی است که در پی شکست سیاست "نواندیشی" و "گرباچینسم" به آن دچار شده است و هنوز نتوانسته فرمول های "نواندیشانه ای" را جاننشین مبارزه طبقاتی و مبارزه با استبداد، ارتجاع و امپریالیسم بکند.

نکته دیگری که پیرامون این طیف نظری قابل توجه است، مخالفت سرسختانه برخی از آنها با حزب توده ایران و شرکت آن در هرگونه ائتلاف نیروها است. این گونه برخوردها قبل از اینکه تأثیری در مبارزه حزب ما یا جایگاه آن در میان زحمتکشان و کارگران کشور ما داشته باشد، نشان بی اعتقادی این نیروها به دموکراسی، پلورالیسم نظری و برخورد تنگ نظرانه با نظرات مخالف است. چنین درکی مسلماً نمی تواند پدیدۀ مثبتی برای جنبش مترقی و آزادیخواهانه کشور ما محسوب شود.

طیف دیگر نظری، که دومین پلنوم کمیته مرکزی حزب ما با آن برخورد کرد، نظری است که از شمار براندازی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی حمایت می کند. این طیف نظری گروهها و سازمان های سیاسی مختلفی از طرفداران سلطنت گرفته تا سازمان مجاهدین خلق ایران و برخی گروههای چپ را شامل می شود. طرفداران سلطنت در این طیف قبل از آنکه خواهان تغییرات و تحولات جدی به نفع آزادی و دموکراسی باشند، خواهان بازگشت به حکومت و ایجاد همان ساختار گذشته در کشور ما هستند. دفاع این گروه از جنایات گذشته رژیم شاه، اعدام و شکنجه های سواک و سرکوب خونین خلق های ایران، خصوصاً خنقهای آذربایجان و کردستان، نشان دهنده "عمق اعتقاد" این نیروها به آزادی و دموکراسی است. بخش عمده این نیروها، در این امید واهی به سر می برند که "قدرت های خارجی" (بخوان آمریکا و انگلیس) ترتیب بازگشت "پیروزمند" حضرات را مانند کودتای ۲۸ مرداد به ایران خواهند داد. حزب ما علی رغم مخالفت جدی که با این طیف نظری و اصولاً استبداد از نوع سلطنتی آن دارد، معتقد است که این نیروها باید بتوانند آزادانه نظرات خود را بیان و برای پیشبرد آن نیز تبلیغ کنند.

در میان دیگر نیروهای این طیف، سازمان مجاهدین خلق ایران، وضیعت متفاوتی دارد. این سازمان با پیش گرفتن مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی، آنها را با اتکا به امکانات رژیم دیکتاتوری صدام حسین و برخورد خصمانه با سایر نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، عملاً يك تنه به جنگ جمهوری اسلامی رفته است. ما بارها در گذشته اعلام کرده ایم که هیچیک از سازمان های سیاسی ایران

سیل و خسارات و ضایعات فراوان



بر اساس گزارش های منتشر شده در مطبوعات کشور، بر اثر جاری شدن سیل در ۱۱ استان کشور، بالغ بر ۳۲۰ میلیارد ریال خسارات مالی به ساکنین این استان ها وارد آمد. همچون بر اساس همین گزارش ها تاکنون ۳۳۴ تن جان خود را از دست داده اند و تعداد زیادی مجروح گردیده اند. بر اساس گزارش مهندس رسول زرگر، معاون وزارت کشور، سیل اخیر به ۴۷ شهرستان و ۶۹۴۰ روستای کشور خسارات عظیمی وارد آورده است.

مهندس زرگر در این مصاحبه نکفت که جمهوری اسلامی علی رغم اخطارهای قبلی اداره هواشناسی و سابقه سیل در مناطق شمالی کشور، چه اقدامی در زمینه جلوگیری از چنین فاجعه ای انجام داده بود و رژیم برای آینده چه برنامه هایی در این زمینه دارد.

آنچه که با توجه به عملکرد گذشته جمهوری اسلامی، از جمله در مورد زلزله گیلان، در این عرصه می توان گفت، اینست که رژیم هیچ برنامه عملی جدی برای کمک به آسیب دیدگان این فاجعه ندارد و مانند گذشته تنها این مردم اند که به یاری ساکنان مناطق سیل زده شتافته اند.

صنایع کشور و تسهیلات مالی خارجی

رفسنجانی در سخنانی که به مناسبت ارائه بودجه کشور ایراد کرد، یکی از اولویت های دولت در سال های اخیر را راه اندازی صنایع کشور اعلام کرد. ما به موقع خود با آمار و ارقام دروغ بودن این ادعا رئیس جمهور رژیم را به اثبات رساندیم. اخیراً نیز وزیر صنایع در مقابل بالا گرفتن موج اعتراض ها نسبت به بی اعتنائی بودجه کشور به خواست ها و نیازهای صنایع داخلی، برنامه جمهوری اسلامی برای راه اندازی صنایع کشور را چنین توصیف کرد: "منابع داخلی برای گسترش صنعت کافی نیست و بایستی با توجه به اینکه در خارج سرمایه گذاری اشباع و کارخانجات راکد شده اند، از تسهیلات مالی خارجی استفاده کنیم..." به این می گویند برنامه ناب و دست اول برای راه انداختن چرخ صنعت کشور. خلاصه این سیاست را می توان چنین توصیف کرد که صنایع ایران باید منتظر باشند که برخی از سرمایه داران خارجی که "کارخانجاتشان" راکد شده و پول اضافی و کلانی هم دارند، این سرمایه ها را در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهند تا وزارت صنایع نیز بتواند به نوبه خود این سرمایه را به صنایع کشور منتقل کرده و رکود فعلی و رشد روز افزون بیکاری، بسته شدن مراکز تولیدی و نابودی صنایع کشور را متوقف سازد. شاید پیشنهاد بهتر این باشد که یکی از همین سرمایه

بدنبال شکست سیاست گذشته این دولت پیرامون سکوت در این زمینه بوده است. بر اساس گزارش این روزنامه در ملاقات اخیر که بین داگلاس هرد، وزیر امور خارجه بریتانیا و ولایتی در مقر سازمان ملل صورت گرفت، ولایتی برای حل مسئله قتل سلمان رشدی به داگلاس هرد پیشنهاد کرد که سعی کنید سلمان رشدی را از نظر ها دور کنید تا ما بتوانیم مسئله قتل او را حل کنیم.

بنظر می رسد با موضع گیری های اخیر، دولت بریتانیا به بی اعتبار بودن حرف ها و قول های وزرای جمهوری اسلامی که در واقع مهره های کوچکی در دست رهبران مذهبی ایران هستند، پی برده است و در مقابل فشار شدید محافل مرفقی و افکار عمومی کشور ناچار شده است در سیاست خود تجدید نظر کند.

جمهوری اسلامی و مبارزه با خودکارهای ضد نماز

بر اساس گزارش نشریه "کیهان هوایی"، مخالفان جمهوری اسلامی و عناصر "ضدانقلاب"، در ادامه فعالیت های ضد فرهنگیشان در مناطق مرزی کشور، اخیراً خودکارهایی به صورت قاچاق در بازار چاه بهار عرضه کرده اند که شعار های ضد اسلامی و به ویژه شعارهایی بر ضد نماز بر آنها نقش بسته است (کیهان هوایی ۲۱ بهمن ماه ۱۳۷۱).

پس از تحقیقات بیشتر یک مقام مسئول در سازمان تبلیغات اسلامی چاه بهار اعلام کرد که این خودکارهای مهلك، دارای شعارهایی به زبان انگلیسی بر ضد اعتقادات اسلامی بوده اند.

بدنبال کشف این توطئه بزرگ، یک گروه ضربت متشکل از پاسداران انقلاب اسلامی، کمیته های انقلاب، وزارت اطلاعات، گروه ضربت الساعقه، بسیجیان، گروه یا زهرا و جمعی از تکنسینان حوزه علمیه قم برای درهم کوبیدن این توطئه راهی استان سیستان و بلوچستان شده اند. رئیس قوه قضائیه نیز اعلام کرد که با خودکار های خاطی و ضد انقلاب بشدت برخورد خواهد شد و اشد مجازات در مورد آنها به اجرا در خواهد آمد.

هاکمیت راضی است!

"من به عنوان فردی آشنا به انقلاب و منطقه در حد اعلا از عملکرد انقلاب اسلامی در طول ۱۴ سال گذشته راضی هستم" (هاشمی رفسنجانی، درباره دستاوردهای انقلاب - کیهان ۱۷ بهمن ۷۱) - "رفسنجانی" ها وقتی دستاوردهای خود را با دستاوردهای انقلاب عوضی بگیرند، چرا راضی نباشند؟

داران خیر خارجی را، که حتما از وزیر صنایع نیز یا تجربه تر در امر سرمایه گذاری است به سمت وزارت صنایع برگماشت و کار را از همان آغاز به دست کاردان سپرد.

اعتراض فرهنگیان گرگان

عده ای از فرهنگیان شهرهای منطقه گرگان در اعتراض به لغو اضافه کاری هایشان از طرف اداره کل آموزش و پرورش در مقابل دفتر روزنامه "سلام" در شهرستان گرگان اجتماع کردند. بدنبال این حادثه یکی از خبرنگاران روزنامه "سلام" با اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران تماس گرفت و آنچه که در زیر می خوانید متن گفتگوی کاپوینانی، معاون این اداره با خبرنگار روزنامه "سلام" است:

کاپوینانی: طبق بخشنامه ای که قبلاً صادر شده آنها حق نداشتند اضافه کاری بگیرند... خبرنگار: "سلام"، اگر این کار خلاف بوده است، چرا اداره کل جلوی این کار غیر قانونی را نگرفته و آیا خود این عمل اداره کل یک کار غیر قانونی نیست؟

کاپوینانی: (با عصبانیت) این دیگر به شما خبرنگاران ربطی ندارد و ما جواب وزارتخانه را خواهیم داد... (روزنامه سلام ۲۱ بهمن ۷۱)

"سلمان رشدی را پنهان کنید"

بدنبال تکرار قتل خمینی از جانب خامنه ای پیرامون قتل نویسنده انگلیسی، سلمان رشدی، روابط ایران و انگلیس رویه تیرگی گذاشت. دولت انگلیس با فراخواندن دیپلمات ایرانی در لندن به مرکز وزارت خارجه، به دولت ایران به خاطر موضع گیری های اخیرش شدیداً اعتراض کرد.

بر اساس گزارش های منتشر شده در روزنامه های انگلیسی، از جمله روزنامه "ایندی پندنت"، این سیاست جدید دولت بریتانیا،

مربستان سعودی

طی يك برنامه خبری در شبکه "بی بی اس" آمریکا فاش شد، غرض از فروش ۵ فروند هواپیمای آواکس به عربستان سعودی در سال ۱۹۸۰، اجرای تمهیدی است که در مقابل آن عربستان سعودی به يك برنامه همکاری دراز مدت نظامی با آمریکا رضایت داده بود. طبق این برنامه، عربستان سعودی تمهید شده بود که از طرح ایجاد پایگاه های نظامی آمریکایی مجهز به مدرترین سلاح ها در عربستان سعودی حمایت مالی بکند.

هزینه این طرح حدود ۱۶۰ میلیارد دلار برآورد شده که قرار است حدود ۹۵ میلیارد دلار آن صرف ایجاد بنادر، پایگاه های هوایی، پایگاه های زمینی و تهیه تسلیحات بشود و ۶۵ میلیارد دلار دیگر برای اهداف زیر بنایی مصرف گردد. تاکنون ۸ میلیارد دلار برای ساختن يك پایگاه نظامی در شهرک مرزی "ملك خالد" (بین عربستان سعودی و عراق) که در آن بمب اتمی و دیگر مهمات نظامی نگهداری می شود صرف شده است.

همچنین در این برنامه خبری فاش شد، بر طبق قراردادی با آمریکا، دولت عربستان سعودی قبول کرده است که سیاست نفتی آن مطابق با تصمیمات آمریکا باشد. برنامه خاطر نشان می سازد که در پی مسافرت ملك فهد به آمریکا در سال ۱۹۸۵، این کشور (عربستان سعودی) قیمت نفت را از بشکه ای ۲۷ دلار به بشکه ای ۹ دلار کاهش داد. این رقم بدنبال مسافرت نماینده جورج بوش به عربستان سعودی در سال ۱۹۸۶ به ۱۸ دلار برای هر بشکه افزایش یافت.

روسیه

پارلمان روسیه، دولت را فراخواند که برای تغییر سیاست سازمان ملل در قبال یوگسلاوی سابق وارد عمل شود. پارلمان روسیه خواستار اعمال تحریم اقتصادی علیه کرواسی و یا پایان دادن به تحریم سرستان می باشد. رای اکثریت در پارلمان علیه دولت یلتسین که در راستای سیاست های آمریکا عمل کرده است، آمریکا را شدیداً نگران کرده است.

گرچه دولت ملزم به قبول تصمیم پارلمان نمی باشد، ولی رای مزبور نشانه ای دیگر بر تشدید درگیری بین پارلمان و طرفداران رئیس جمهور روسیه است. پارلمان در ماههای اخیر بصورت فزاینده ای به مخالفت با مواضع وزیر خارجه، "آندره کوزیرف"، که پیرو سیاست های واشنگتن می باشد، برخاسته است.

روسیه

سال ۱۹۹۲ در تاریخ دوران بعد از جنگ جهانی دوم اولین سالی است که رشد جمعیت این کشور جنبه منفی پیدا کرده است. طی سال گذشته میزان زاد و ولد ۱۰/۶ در هزار و مرگ و میر ۱۲ در هزار بوده است. این آهنگ رشد منفی، خطری جدی برای دوام و بقای ملت است. طبق آمار منتشره ۴۰٪ مردان در روسیه به



۲- تعهد اسرائیل مبنی بر رعایت توافق هایی که در دور چهارم مذاکرات صلح در ژنو حاصل گردیده و خودداری از نقض حقوق فردی و اجتماعی خلق فلسطین در منطقه اشغالی. نقض مستمر حقوق بشر در منطقه یکی از موانع اصلی بر سر راه روند صلح می باشد. در این زمینه ساف از آمریکا می خواهد که اسرائیل را تحت فشار بگذارد.

۳- آمریکا باید مواضع خود را در رابطه با فرآیند صلح مشخص کرده و در زمینه جلوگیری از نقض حقوق بشر در منطقه و نیز شرکت سازمان آزادیبخش فلسطین در پروسه صلح گام های مثبت و جدی تری بردارد. افزون بر آن، ساف خواهان مذاکره مستقیم با دولت آمریکا می باشد.

برزیل

روزنامه "فولیادی سان پائولو" تصمیم گرفت شیوه غیر مترقبه نوع و طرز کاری را که در يك پارلمان می گذرد، افشا کند.

چند ساعت وقت لازم بود تا تعداد لازمی از نمایندگان امضاء خود را در پای پیشنهادی بگذارند که از پارلمان می خواهد، جمهوری برزیل به شیوه حکومتی دوران استعماری پرتغال برگردد و برده داری در آن کشور رسمی اعلام گردد.

پیشنهاد مزبور، بدون دشواری حد نصاب آرا را از نمایندگان پارلمان- کسانی که از حقوق منتخبین خود باید دفاع کنند- بدست آورد.

۵۴ نفر از نمایندگان پای این سند را امضا کرده بودند، بدون آن که با متن آن آشنایی داشته باشند!

اندونزی

مقامات نظامی اندونزی در تاکید کردند که برخوردهای مسلحانه شدیدی بین نیروهای دولتی و چریک های جنبش آزادیبخش "تیمور شرقی" رخ داده است. به ادعای آنان، در این درگیری ها دو تن از چریک ها کشته شدند.

يك افسر نظامی دولت گفت: "این برخورد، در جریان گشت سرایان در مناطق کوهستانی نزدیک لوس پالوس صورت پذیرفت". او مدعی شد که دو چریک کشته شده و ۱۰ چریک دیگر دستگیر شده اند.

این درگیری نظامی که در شب ۲۷ بهمن ماه رخ داده، از زمان دستگیری رهبر "جنبش آزادیبخش"، به نام "زناتا گوسماو" در ماه نوامبر گذشته، اولین برخورد با نیروهای دولتی محسوب می شود. "گوسماو" که ۱۷ سال علیه اشغال "تیمور شرقی" توسط حکومت جاکارتا می جنگید، بجرم جدایی طلبی محاکمه خواهد شد. اشد مجازات برای او حبس ابد خواهد بود.

سن بازنشتگی نمی رسند، و بقیه اکثراً از افراد معلول هستند.

از عوامل افت رشد جمعیت کشور باید بی ثباتی سیاسی، ویرانی اقتصاد، فقر روز افزون مردم و در نتیجه فقر مواد غذایی، فقدان ویتامین ها، تخریب روز افزون محیط زیست، رشد الکلیسم و خودکشی را نام برد.

- قسمت های مختلف شهر مسکو به ثمن بخش به فروش می رسد. برای نمونه کارخانه سیکار سازی "دوکات" با خانه های مسکونی جنب آن به ۶۰/۰۰۰ دلار به آمریکایی ها فروخته شده است. در حالیکه قیمت يك خانه مسکونی معمولی در ایالات متحده آمریکا از این بیشتر است.

فلسطین

روز پنج شنبه ۲۹ بهمن، دو تن از اعضای هیئت نمایندگی فلسطین در مذاکرات صلح خاور میانه با "یاسر عرفات"، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف)، در عمان پایتخت اردن ملاقات و گفتگو کردند. در پایان ملاقات، نامه ای از سوی "یاسر عرفات" خطاب به "وارن کریستوفر"، وزیر خارجه آمریکا، که از منطقه دیدار می کند، تحویل رهبران فلسطینی مناطق اشغالی گردید. در نامه خاطر نشان می شود که "ساف" و خلق فلسطین همه کوشش خود را برای تداوم و پیروزی امر صلح بکار می برند، از اسرائیل به دلیل اقدام غیر قانونی تبعید ۴۱۵ فلسطینی از مناطق اشغال شده و طفره رفتن دولت صهیونیستی از قبول و اجرای قطعنامه ۷۹۹ شورای امنیت سازمان ملل در مورد بازگشت این افراد، انتقاد شده است.

رهبر جنبش آزادیبخش فلسطین دراین نامه، تمایل "ساف" را به برقراری مذاکرات با اسرائیل به شرط قبول و اجرای شرایط ذیل بیان می دارد:

۱- اسرائیل ضمن قبول بازگشت تبعید شدگان به سرزمین اشغال شده شان، به غیر قانونی بودن اقدام خود اعتراف کند!

دولت در برخورد با کارگران شرکت نفت همان سیاست های رژیم گذشته را در پیش گرفته است!

نفر نماینده کارفرما به سه نفر نماینده دولت تبدیل می شود. بدین ترتیب، ترکیب هیئت حل اختلاف در رابطه با کارگران شرکت نفت در عمل به شش نفر نماینده کارفرما (دولت) و سه نفر نماینده کارگران تغییر پیدا میکند! البته این در حالی است که کارگران شوراهای کار خود را داشته باشند. اما اگر مسئله جلوگیری از تشکیل شوراهای کارگری در شرکت نفت را نیز به آن اضافه کنیم، ترکیب واقعی هیئت حل اختلاف در شرکت نفت از این هم جالب تر می شود: سه نفر نماینده کارفرما (دولت)، سه نفر نماینده اداره کار و امور اجتماعی (دولت) و سه نفر نماینده منتخب وزیر کار (دولت)!!! در این مورد خاص، باید به جناب معاون حقوقی حق داد که کارگران شرکت نفت نسبت به سایر کارگران به ویژه از مزایای دولتی بیشتری برخوردارند!

بدین ترتیب، رژیم ولایت قیبه در تضعیف و سرکوب جنبش کارگری در صنعت نفت ایران، پا جای پای رژیم گذشته گذاشته است. اما ترفندهای رژیم تنها به جلوگیری از ایجاد تشکل های کارگری در صنعت نفت محدود نمی شوند. نمونه های بسیاری از به کار گیری شیوه های استعماری تفرقه افکنی در میان کارگران و کارمندان شرکت نفت نیز وجود دارند که در نوشته های بعدی به آن ها خواهیم پرداخت.

شده است که کارگران شرکت نفت نسبت به سایر کارگران از مزایای بیشتری برخوردارند. از محتوای این صحبت بر می آید که از نظر ایشان و وزارت نفت، کارگران شرکت نفت نیازی به داشتن شورا ندارند!

تا آنجا که قضیه به وضع زندگی کارگران شرکت نفت مربوط می شود، از این گفته پیدا است که جناب معاون حقوقی از شرایط سخت زندگی کارگران کوچکترین اطلاعی ندارد. اما نمی توان باور کرد که وی از بن بست حقوقی که قانون کار مصوب رژیم برای کارگران شرکت نفت ایجاد کرده، بی اطلاع باشد.

قانون کار مصوب رژیم، رسیدگی نهایی به اختلافات میان کارگران و کارفرمایان را بر عهده هیئت های حل اختلاف گذاشته، و ترکیب اعضای این هیئت ها را بدین شرح تعیین کرده است: سه نفر نماینده کارگران ... سه نفر نماینده کارفرمایان ... و سه نفر نماینده اداره کار و امور اجتماعی ... در عین حال، در آیین نامه مربوط به چگونگی انتخاب نمایندگان کارگران، مصوب ۱۱ شهریور ۱۳۷۱ هیئت وزیران، گفته می شود: در مواردی که تشکل های کارگری ایجاد نشده است، وزیر کار و امور اجتماعی می تواند رأساً در مورد انتخاب نمایندگان مزبور اقدام نماید.

حال بگذارید در و تخته را به هم جور کنیم تا تصویر کلی به دست آید، در وضعیت ویژه کارگران شرکت نفت، کارفرما خود دولت است. بنابراین، سه

امروز کمتر کسی به خود اجازه می دهد که نقش تعیین کننده مبارزات کارگران و کارمندان شرکت نفت را در به پیروزی رساندن انقلاب بهمن ۵۷ انکار کند. در حقیقت باید گفت که در طول تمامی تاریخ مبارزات ضد استعماری، استقلال طلبانه و آزادیخواهانه در میهن ما، کارگران و کارمندان صنعت نفت همیشه در صف مقدم مبارزات مردم قرار داشته اند. بیهوده نیست که رژیم های ضد مردمی حاکم بر کشور ما - از جمله رژیم کنونی - از هیچ کوشش و ترفندی برای تضعیف، سرکوب و تفرقه افکنی در میان کارکنان صنعت نفت کشور دریغ نکرده اند.

سردمداران رژیم ولایت قیبه، که در دوران انقلاب به چشم خود شاهد قدرت عظیم اجتماعی کارکنان صنعت نفت بوده اند، امروز همانند رژیم شاه از آنان عمیقاً وحشت دارند و تمامی تلاش خود را برای جلوگیری از سازماندهی آنها به کار می برند. به همین دلیل است که ۱۴ سال پس از پیروزی انقلاب، رژیم هنوز به کارگران شرکت نفت حتی اجازه تشکیل شوراهای اسلامی کار را - که خود به منظور جلوگیری از شکل گیری سازمان های مستقل کارگری ایجاد کرده، ولی به تدریج نفوذ خود را در آنها نیز از دست می دهد - نداده است. در پاسخ به سؤال تعدادی از نمایندگان مجلس که چرا کارگران شرکت نفت هنوز شوراهای کارگری ندارند، معاون حقوقی و مجلس وزارت نفت رژیم، پس از مظهر رفتن از دادن پاسخ صریح، مدعی

اخبار زحمتکشان

دشواری های زمستانی زحمتکشان شهر و روستا

گفته مسؤل جهاد سازندگی الیکودرز، امکانات موجود به هیچوجه جوابگو نیست و به نظر می رسد بسیاری از این روستاها تا فصل بهار پشت برف خواهند ماند!

زحمتکشان شهرها نیز از سرمای زمستان و بی تفاوتی رژیم نسبت به وضع خود بی بهره نمانده اند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، کمبود مواد سوختی و قطع ممتد برق، مردم کرمانشاه را نیز با مشکلات جدی مواجه کرده است. شعبه های توزیع نفت در این شهر، در هر یک هفته تا ده روز یک بار - آن هم تنها ۴۰۰ هزار لیتر برای تمامی شهر - نفت توزیع می کنند و مردم مجبورند از ۶ صبحگاه تا ۱۱ شب در سرمای زیر صفر در صف نفت بایستند. به علت قطع مداوم برق، مردم کرمانشاه، روزانه تنها دو تا چهار ساعت امکان استفاده از لوازم گرمای برقی را دارند.

در کشوری چون ایران، وجود اینگونه دشواری ها برای زحمتکشان نه ناشی از نبود امکانات، بلکه بیش از هرچیز نتیجه عملکرد ضد مردمی رژیم حاکم و بی توجهی آن به وضعیت زحمتکشان کشور است.

زمستان سرد امسال به ویژه برای زحمتکشان کشور وضعیت دشواری را به وجود آورده است. نبود سوخت، بسته شدن راهها و قطع ارتباط روستاهای کشور با شهرها، شیوع بیماری ها و نرسیدن دارو و سایر امکانات پزشکی به بسیاری از نقاط دور افتاده کشور، از جمله مشکلات گریبانگیر مردم میهن ما هستند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، در اسلام آباد غرب، سوادآموزان در ۲۰ کلاس شهری و ۱۵۰ کلاس روستایی نهضت بدون داشتن بخاری و وسایل گرمازا بر روی نیمکت های سرد در سرمای چند درجه زیر صفر به تحصیل می پردازند.

در روز ۱۳ آذر، همین خبرگزاری گزارش داد که در یکی از روستاهای دزفول، ۸ کودک بیمار بر اثر بسته بودن راهها و نبود امکان انتقال آنها به شهر، جان خود را از دست دادند. بیماری مزبور هم اکنون در میان ۴۰۰ خانوار این منطقه شیوع پیدا کرده و جان آن ها نیز به خاطر بسته بودن راهها و نبود دسترسی به امکانات بهداشتی در مخاطره قرار داده است.

از سوی دیگر در همین روز گزارش شد که ۵۰۰ روستای الیکودرز همچنان در محاصره برف قرار دارند و بدون ارتباط با دنیای خارج به سر می برند. به

برگزاری کنگره حزب ...

با اقداماتی به منظور مطمئن شدن از این که هیچ پایگاه نظامی خصمانه در مرزهای روسیه برپا نشود. عمل قاطع به منظور حفاظت از حقوق روس ها در جمهوری های سابق اتحاد جماهیر شوروی؛

- بازسازی اتحاد جماهیر شوروی، احتمالا در شکل یک کنفدراسیون، به عنوان یک هدف استراتژیک. این پروسه برپایه حصول اطمینان متقابل و همکاری گام به گام بین روسیه و سایر جمهوری های سابق شوروی انجام خواهد شد؛

- با شکست مواجه ساختن اقدام یلتسین در رفراندومی که قرار است ۱۱ آوریل صورت بگیرد و هدف آن تغییر دادن ساختار مردمی جامعه می باشد.

"گوپتسف" خواستار اتحاد و یگانگی بین جریان های گوناگون موجود در حزب گردید. او گفت: "باید بر جدایی تاریخی بین کمونیست ها، سوسیالیست ها و سوسیال دمکرات ها فایق آئیم، بخاطر داشته باشید که این جدایی هیتلر را قادر ساخت که در آلمان به قدرت برسد". او اظهار کرد که دولت یلتسین سعی خواهد کرد مانع مطرح شدن مجدد حزب کمونیست در روسیه بشود. ما باید بسیار محتاط باشیم. فقط اتحاد نیروهای چپ می تواند در مقابل موج سرمایه داری مقاومت کند".

در میان نمایندگان کنگره بسیاری از اعضای سالمند حزب از قهرمانان جنگ ضد فاشیستی و یا قهرمانان کار سوسیالیستی حضور داشتند. درصد بالایی از اعضای کنگره، کادرهای میانه قبل از فرمان ممنوعیت حزب بودند. جمع قابل توجهی از نمایندگان کنگره که حاضر به مصاحبه با مطبوعات شدند سقوط اتحاد شوروی را محصول خیانت رهبران سابق حزب کمونیست شوروی "میخائیل گارباجف" و "یلتسین" دانستند. صاحب نظران مطلع از تحولات روسیه معتقدند که حزب کمونیست روسیه سیاست هایی را که تضمین کننده موقعیت ویژه آن در حیات کشور باشد، اتخاذ خواهد نمود.

پیش بینی می شود که تا اردیبهشت ماه، حدودا یک و نیم میلیون عضو به صفوف حزب کمونیست روسیه، که در لحظه ممنوع شدن فعالیت هایش هفت میلیون نفر عضو داشت، به پیوندند. رهبران حزب تاکید مکرر داشتند که حزب در صدد است که خود را به عنوان یک حزب قانونی ثبت نماید و مصمم است که در مبارزه برای دستیابی به قدرت دولتی فقط از طریق قانونی و علنی اقدام کند. پروسه ثبت رسمی حزب حدودا یک ماه طول خواهد کشید. حزب، مارکسیسم-لنینیسم را همچنان پایه ایدئولوژیک خود می داند و در سند اصلی سیاسی خود اعلام نمود: "در تئوری نباید ارجحیت به ایده های تخیلی داده شود. باید رخدادهای جاری را تحلیل نمود".

اساسنامه حزب اصل اساسی تشکیلاتی

را "مرکزیت دموکراتیک" اعلام کرد که بنا به تحلیل آن از آنارشیسم و افراط گری های بوروکراتیک جلوگیری می کند. در کنگره تصمیم گرفته شد که بدلائل اوضاع ویژه یک سال و نیم گذشته، برای یک دوران گذار که زمان آن هنوز مشخص نشده است، "عضویت هم زمان" حزب کمونیست روسیه و یک حزب دیگر با "سمت گیری کمونیستی" قابل قبول است.

اینک پنج "حزب جانشین" حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی وجود دارد. مواضع سیاسی این احزاب طیف نیروهای چپ از ارتدکس های استالینیست حزب بلشویک های روسیه به رهبری خاتم "نینا آندریونا" تا حزب "سوسیالیستی مردم زحمتکش" که درخواست پیوستن به انترناسیونال سوسیالیستی را نموده است را شامل می شود.

حزب بلشویک ها و حزب کمونیست کارگران روسیه به رهبری "ویکتور تورلین" از شرکت در کنگره امتناع ورزیدند و مدعی شدند که حزب کمونیست روسیه تحت کنترل "گارباجف" است.

سه حزب دیگر، اتحادیه بین المللی کمونیستی، حزب کمونیست های روسیه و حزب سوسیالیستی مردم زحمتکش در کنگره حضور داشتند و انتظار می رود که به حزب بازسازی شده به پیوندند. در انتخابات برای رهبری جدید، فقط یک عضو حزب سوسیالیستی مردم زحمتکش بنام "ایوان ریپکین" که عضو پارلمان روسیه نیز می باشد، به کمیته مرکزی راه یافت. "الکسی پریکارین"، رهبر اتحادیه کمونیستی، در سخنان خود خطاب به کنگره گفت: "این حزب توسط نهن ۹۰ سال قبل تاسیس شد، من همیشه خود را عضو آن می دانسته ام، حتی هنگامی که حزب وجود نداشت... البته من و تمامی همکارانم به آن خواهیم پیوست". در مورد رابطه بین سوسیالیست ها و کمونیست ها، "پریکارین" که از اعضای سابق حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی بوده است گفت:

"چرا ما باید یک حزبی داشته باشیم که براساس مصالحات بی پایان بین نظرگاه های سیاسی مختلف بنا نهاده شده باشد". حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی بخاطر این از بین رفت که فاقد "یگانگی هدف از نظر ایدئولوژیک" بود، به این دلیل است که ما فکر می کنیم که باید بمنظور داشتن یک حزب کمونیست قوی و یک حزب سوسیالیست قوی انشقاق را بپذیریم. تا اینکه بخاطر یگانگی درصد سازش های بی حساب باشیم؛ آن طور که گارباجف کرد".

"روی مدودوف" که در زمان ممنوعیت حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، عضو کمیته مرکزی آن بود در مورد چگونگی تحول خط سیاسی حزب چنین گفت: "مبارزه ای در جریان خواهد بود و برای مدتی نیز ادامه خواهد داشت، البته ساختار و ایده های قدیمی باقی مانده اند، این را نمی توان متغی دانست که آنها برای مدتی جنبه غالب راداشته باشند. "روی مدودوف"

برگزاری سومین کنگره حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان

سومین کنگره حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان (PDS) از ۲۹ تا ۳۱ ژانویه برگزار گردید. کنگره با سخنرانی "هانس مدرو" کار خود را آغاز کرد. ۵۱۴ نماینده در کنگره شرکت داشتند. بیش از ۴۳٪ نمایندگان زن بودند. نمایندگان ۳۷ حزب از جمله حزب توده ایران جزو دعوت شدگان به کنگره بودند. ۲۵۰ نماینده از احزاب سیاسی و سازمانهای صنفی آلمان نیز در این کنگره شرکت داشتند. نمایندگان کنگره دو وظیفه عمده یعنی انتخاب دبیرکل و تصویب برنامه حزب را در دستور کار خود داشتند. کنگره لوتاریسکی را به عنوان دبیر کل (به جای گیزی) و بقیه اعضا رهبری را ابقاء نمود. بخش عمده مباحثات کنگره پیرامون سیاست داخلی حزب و برنامه آن بود.

دبیر کل جدید "لوتاریسکی" ضمن سخنان خود از جمله خاطر نشان کرد که حزب ما هیچگونه وجه تشابهی با استالینیسم ندارد. حزب در عمل نشان داده است که توان نسبی انجام کارهای بزرگ را دارد و بر آنست که در صحنه سیاسی آلمان به حزب مقتدری تبدیل شود. برنامه حزب در فضایی کاملا دموکراتیک تهیه شده و در کلیات خود با اکثریت آراء به تصویب رسیده است. ما برای نیل به اهداف برنامه ای خود از طریق مبارزات پارلمانی کوشش خواهیم کرد، به عنوان مثال امر دفاع از ماده ۱۶ قانون اساسی علیه فاشیسم، راسیسم و ... را مورد توجه جدی قرار داده ایم. ما مخالف هر نوع حضور نیروهای نظامی آلمان در خارج از مرزهای آن هستیم. ما علیه نابودی صنایع در بخش شرقی آلمان مبارزه می کنیم؛ در سیاست خارجی علیه سیاست لکام گسیخته سرمایه انحصاری، برای خلع سلاح هسته ای و تامین صلح پایدار کوشش خواهیم کرد.

رهبر حزب سوسیالیست مردم زحمتکش است که بیشتر عناصر رفرمیست حزب کمونیست را بخود جلب کرده است. این حزب در کنگره خود که احتمالا در ماه مارس برگزار خواهد شد، در مورد سه امکان تصمیم خواهد گرفت که یا به حزب جدید التاسیس به پیوندند، یا ضمن پیوستن به حزب فعالیت خود را به عنوان یک پلاتفرم جداگانه در درون آن ادامه دهد و یا این که عملا در خارج از حزب باقی بماند.

"مدودوف" در کنگره تاکید نمود که "شانس فراوانی وجود دارد که سرانجام یک حزب کمونیست روسیه نو شده بوجود آید. مانند هر چیز دیگری، این (حزب) در جریان زندگی شکل خواهد گرفت، در هر حالت، این حزب بزرگ و متنفدی خواهد بود. با در نظر گرفتن شرایطی که در کشور وجود دارد، حزب مورد حمایت گسترده مردم قرار خواهد گرفت. من خیلی به آینده آن امیدوارم".

اتحادیه بین المللی کمونیستی به رهبری "پریکارین"، اعلام کرده است که تصمیم دارد در جلسه ای که در تاریخ ۲۶ ماه مارس برگزار خواهد شد، حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را مجددا پایه گذاری کند.

برگزاری کنگره حزب کمونیست روسیه

"اجازه بدهید که گذشته را به زیاده دان تاریخ بسپاریم و به همراه آن گاریاچف را"

طی دو روز جریان کنگره که در حومه مسکو برگزار گردید، ۷۵۰ کمونیست به نمایندگی از سوی ساختار نیم میلیونی حزب، در بحث های داغی، تصمیم به تشدید فعالیت بخاطر اعاده سوسیالیسم در روسیه گرفتند و رهبری جدیدی را برای حزب انتخاب نمودند. در رهبری جدید حزب دو تن از رهبران سابق حزب کمونیست اتحاد شوروی که در "کمیته وضعیت فوق العاده" در اوت ۱۹۹۱ با اعلام اوضاع ویژه و اضطراری در کشور، کوششی ناموفق در جلوگیری از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و سقوط ساختار دولتی سوسیالیسم در آن کشور داشتند، حضور دارند. رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی، "آنانولی لویکیانف"، اولک شنین از فعالین برجسته حزب، که هر دو در ماه های آینده به دلیل نقش موثرشان در "کمیته فوق العاده"، در دادگاه محاکمه خواهند شد، با رای چشم گیری به عضویت کمیته مرکزی ۱۰۰ نفره حزب، انتخاب گردیدند. کمیته مرکزی "گنادی زیوگانف"، یک ایدئولوگ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را به عنوان صدر خود انتخاب کرد. "والنتین کوپتسوف" که نقش موثری در باز سازی حزب داشت، بعنوان معاون صدر انتخاب گردید. کنگره تصویب کرد که مقام دبیر کلی ملغی گردد. "کوپتسوف" در میان کف زدنهای ممتد نمایندگان کنگره اعلام کرد: "اجازه بدهید که گذشته را به زیاده دان تاریخ بسپاریم و به همراه آن گاریاچف را". "کوپتسوف"، گزارش اصلی سیاسی را در به کنگره ارائه داد که پس از بحث در خطوط اصلی خود مورد تصویب قرار گرفت. گزارش،

علت اصلی شکست تاریخی حزب کمونیست اتحاد شوروی را "عدم درک درست از قدرت" دانست. گزارش سیاسی ضمن محکوم کردن "گاریاچف"، "بلوف پروستریکا" را به استهزاء گرفت و آ را چیزی بیشتر از یک پوشش برای تسلیم اصول سوسیالیستی و تخریب ساختارهای سوسیالیستی ندانست. گزارش اعلام نمود که حزب کمونیست روسیه با سپردن کارخانجات و موسسات دولتی به بخش خصوصی مخالف است و در جهت اعاده نقش دولت و کنترل در سرمایه گذاری ها فعالیت خواهد نمود. به موازات آن در گزارش گفته می شود که "ما معتقدیم سوسیالیسم با بازار همخوانی دارد. گرچه همه کمونیست ها با این نظر موافق نیستند، ولی این در تجربه چین به اجرا گذاشته شده است".

گزارش اهداف عاجل سیاسی روسیه را در ۶ مورد زیر جمع بندی نمود:

- تاکید بر مواضع "میهن پرستی سوسیالیستی" که "هیچ نقطه مشترکی با شوونیسم ملی و فاشیسم ندارد"
- کوشش در راه جلوگیری از تکه تکه شدن فدراسیون روسیه ضمن کوشش در راه برقراری مجدد قدرت شورایی. گزارش همکاری بین المللی بین خلق ها را تنها پادزهر ممکن برای درمان جریانانات جدایی طلبانه ملی دانست که در نتیجه حاکم شدن مناسبات عقب افتاده مبتنی بر بازار ایجاد شده است؛
- مبارزه علیه فساد ضمن اعاده "کنترل خلقی" بر ساختارهای دولتی و ارگان های تجارتي که "فعالیشان به حال جامعه مضر می باشد"
- اصل "کفایت معقول" در امور دفاعی توام

ادامه در ص ۷

"سفیر بدبختی"

به رئیس جمهور روسیه فدراتیو،

ب. ن. یلتسین

آیا آ. ن. یاکوفلوف جاسوس است

یا نه؟

۱۲ فوریه ۱۹۹۳ در روزنامه "سوتسکایا روسیا" مقاله رئیس سابق ک. گ. ب. اتحاد شوروی ب. ولادیمیر کروچکوف، تحت عنوان "سفیر بدبختی"، شهروند روسیه الکساندر نیکولایویچ یاکوفلوف را متهم به سی سال جاسوسی به نفع ایالات متحده آمریکا کرده است. "یاکوفلوف" مقام های گوناگونی از جمله عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی تا سر مشاور رئیس جمهور شوروی را به عهده داشته است.

در این مقاله گفته شده است که رئیس جمهور سابق شوروی، میخائیل سرگنویچ گاریاچف گزارش مربوط به فعالیت های جاسوسی "یاکوفلوف" را دریافت داشته و هیچگونه عکس العملی به آن نشان نداده است و در نتیجه خود او (گاریاچف) با داشتن عمده ترین مقام کشوری شریک جرم محسوب می شود.

داستان روسیه تمام اطلاعات مربوط به این امر را در اکتبر ۱۹۹۱ دریافت داشته و تاکنون نه پرونده جنایی را به جریان انداخته و نه فاکت های آن را تکذیب کرده است؛ فاکت هایی که رسماً از طرف رئیس دستگاه امنیتی کشور تأیید شده است. همان طور که در مقاله گفته می شود این عملیات جاسوسی به فروپاشی اتحاد شوروی و در حال حاضر به روند فروپاشی روسیه منجر شده است.

آقای رئیس جمهور!

وظیفه شهروندی خود می دانیم که توجه شما را به فاکت های مطرح شده در این مقاله جلب نمائیم تا تدابیر فوری برای بررسی آنها اتخاذ نموده و نتیجه را به اطلاع عموم مردم برسانید.

امضاء جمعی از نمایندگان اتحاد شوروی
امضاء جمعی از نمایندگان روسیه
جمعا ۲۱ امضاء

به نقل از : روزنامه "پراودا"

قیمت برای برقراری "دموکراسی"

طبق نوشته روزنامه "گاردین"، مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳، دولت ایالات متحده آمریکا پیشنهاد پرداخت کمکی به مبلغ ۵۰ میلیون دلار به دولت هائیتی را داده است، به شرطی که دولت مقدمات یک "انتخابات" برای تحکیم "دموکراسی" در این کشور را فراهم آورد. البته برکسی پوشیده نیست، که این پیشنهاد به قصد جلوگیری از هجوم پنهانندگان آن کشور به آمریکا داده شده است و بس. این کمک ها در شرایطی صورت می پذیرد که دولت ایالات متحده آمریکا، نیکاراگوئه را در معرض یک جنگ تمام عیار قرار داد، "گرنادا" را بیچاران کرد و کوبای سوسیالیستی را در محاصره شدید اقتصادی و سیاسی خود قرار داده است.

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 1000 Berlin 10, Germany

NO : 396

March 2 , 1993

نامه
مردم